

ابوالفضل مظاهری – مرضیه قیاسی *گروه دانشگاه*

پیش‌بینی‌ها و افکارسنجی‌های سیاسی پیش از انتخابات یکی از جلوه‌های روشن ورود فناوری به عرصه سیاستند اما نباید اثرگذاری فناوری بر سیاست را در همین حد محدود دید. در چند انتخابات اخیر کشورهای مختلف زم‌مهای مختلفی از سس‌گیری پلنفرم‌ها در انتشار یا نمایش محتوای تولیدی شنسیدیم؛ موضوعی که می‌تواند بر جهت‌دهی افکار عمومی یک کشور تأثیر بسزایی داشته باشد. کارشناسان؛ اساتید و فعالان سیاسی ایران نیز درپل «**هوش مصنوعی و ارتباطات سیاسی**» که چندی پیش در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار شد به ابعاد مختلف تأثیر این فناوری در حوزه سیاسی پرداختند. مرضیه ادهم، پژوهشگر داده‌های علوم اجتماعی به‌عنوان دبیر جلسه و محمدرضا جلالی‌پور، قائم‌مقام معاونت راهبردی ریاست‌جمهوری، دیاکو حسینی، معاون بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی تهران و مجتبی قلی‌پور، عضو هیئت‌علمی پژوهشکده ارتباطات راهبردی به‌عنوان سخنران به ارائه دیدگاه‌های خود پرداختند که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

محمدرضا جلالی‌پور، قائم‌مقام معاونت راهبردی ریاست‌جمهوری: هوش مصنوعی در حال تبدیل به یک مؤلفهٔ قدرت ملی است



اگر تعریف IBM از هوش مصنوعی، یعنی شبیه‌سازی توانایی انسان توسط ماشین‌ها را بپذیریم، این هوش به‌زودی همه نهاد‌های اولیه و ثانویه اجتماعی نظیر سیاست، اقتصاد، خانواده، اخلاق، حقوق، فرهنگ و نهاد‌های ثانویه‌ای را که حول این‌ها شکل گرفته‌اند، تغییر خواهد داد و به‌احتمال زیاد با نهاد‌های ثانویه جدیدی هم مواجه خواهیم بود. هوش مصنوعی سیاست‌ جامعه را در چشم‌انداز بلندمدت و در بازه کمتر از دوده تغییر خواهد داد. باید در شرایطی که از انقلاب صنعتی تحول بنیادی‌تر و سریع‌تری در جامعه و حاکمیت ایجاد می‌کند، خیلی بیشتر از منظر علوم اجتماعی و انسانی در مورد آن صحبت‌شود اما هنوز احساس می‌کنم گفتم‌گویی عمومی در این زمینه به‌شدت مهندسی شدن و به‌عبارت دیگر شرکت‌زده است و بیشتر از منظر منافع شرکت‌ها یا بازیگری شرکت‌ها در این زمینه صحبت می‌شود. این موضوع روی امر عمومی تأثیر بسیار بنیادینی خواهد داشت، بنابراین کسانی که دغدغه امر همگانی دارند از جمله دولت باید در این زمینه بیشتر صحبت کنند.

یک تهدید بزرگ کلان‌راهبردی از منظر سیاست‌گذاری در ایران درخصوص هوش مصنوعی و در یک چشم‌انداز چندساله، استعمار و اقتدارگرایی دیجیتال است. شواهد نشان می‌دهد مهم‌ترین بازیگران هوش مصنوعی، دولت‌ها و شرکت‌هایی هستند که در شرایط کنونی انگیزه لطمه‌زدن به ایران را دارند، در برابر نسل کشی هم سکوت و حتی آن را تمهید می‌کنند. ما اولین کشوری هستیم که قربانی حمله سایبری‌ای بوده‌ایم که می‌توانست به انفجار هسته‌ای منجر شود و به نظر می‌رسد که در سال‌های پیش‌رو امکان انواع جدیدی از حمله نظامی و استعمار دیجیتال ممکن می‌شود که ما برای آن آماده نیستیم. سپر دفاعی ما در برابر استعمار دیجیتال بسیار ضعیف است. در شرایطی که دو بازیگر اصلی هوش مصنوعی، یعنی چین و برخی معتقدان به فراانسان‌گرایی در اطرافیان ترامپ هستند، شواهد نشان می‌دهد مجموعه انسان‌ها در همه کشورها به‌ویژه در کشورهایی مثل ایران، باید آمادگی بیشتری برای اینکه قربانی استعمار دیجیتال نشوند، کسب کنند. با توجه به افزایش کنترل الگوریتم‌هایی که توسط این شرکت‌ها و دولت‌های اقتدارگرا راهبری می‌شود، ما باید به سمت نوعی تقویت نهادها و قوانین بین‌المللی و نوعی حکمرانی جهانی هوش مصنوعی برویم که بسیاری از آن فاصله داریم و تأثیر این نهاد‌ها به‌ویژه بعد از روی کار آمدن ترامپ کاهش پیدا کرده است. ایران یکی از کشورهایی است که باید نه فقط در ائتلاف با جنوب جهانی بلکه در نهاد‌های بین‌المللی در این زمینه نقش آفرینی بیشتری داشته باشد.

مهم‌ترین ابزاری که می‌تواند ما را قربانی انواع اقتدارگرایی دیجیتال و استعمار دیجیتال کند، تبلیغات است. تبلیغات و به معنای دیگر فریب، در سال‌های آینده در تراز دیگری مؤثر خواهند شد و امکان شخصی‌سازی شدن نه‌تنها برای خرید کالا‌های تجاری حتی برای خرید ایده‌های سیاسی، رأی‌دادن و گرایش‌های عمومی، سیاسی و اجتماعی خود پیدا خواهند کرد و ما در برابر ابزار‌های جدیدی که بسا این تحولات دیجیتال به‌ویژه هوش مصنوعی رخ می‌دهد، به‌شدت آسیب‌پذیر خواهیم شد، بنابراین باید به وجود آن در دانشکده‌هایی مانند علوم اجتماعی بیشتر فکر کنیم. فرض کنید در شرایطی که ۱۰ سال قبل کمبریج آنالیتیکا را داشتیم و ایلان ماسک سال گذشته در چهار انتخابات خارج از آمریکا مداخله مؤثر انجام داده است و در حال حاضر هم ما قربانی فضای سایبری در فضای سیاسی ایران در داخل و خارج از کشوریم، این تبلیغات مابهازای سیاسی پیدا کند. مجموعه فعالان سیاسی و دغدغه‌مندان امر عمومی باید نسبت به تأثیر این ابزار‌ها روی رفتار سیاسی خیلی بیشتر حساس باشند. هم سیاست و هم اقتصاد باید در سال‌های آینده توجه بسیار بیشتری را در دانشکده علوم اجتماعی جلب کند. تا زمانی که ما توجیه حکمرانی جهانی هوش مصنوعی نداریم و هوش مصنوعی در شکاف رقابت ۲ دولتی که نمایان‌های سلطه‌گرانه قابل اعتنا دارند از جمله آمریکا و چین رشد می‌کند، شهروندانی در جوامعی مانند ما باید بسیار بیشتر حساس باشند و سپر‌های دفاعی محدودتر برای خود بسازند. یکی از مصادیق آن حمله نظامی و انواع سلاح‌های خودکار جدید است که می‌تواند صحنه را تغییر دهد. در کشورهایی مثل ایران بازدارندگی هنوز متمرکز بر ابزار‌های کلاسیک و حداکثر قدرت بازدارندگی هسته‌ای است و ما توجه نداریم که تراز جدیدی از سلاح‌های هوشمند خودکار ساخته می‌شود که در جنگ غزه نیز از آن‌ها استفاده شده است. استفاده از هوش مصنوعی، کشتار، نسل کشی و پاکسازی قومی و قبیله‌ای را قوی‌تر و کارآمدتر کرده‌است. اگر ما در چندسال آینده توانیم صحنه را تغییر دهیم، این ائتلاف ضدبازارن نشکند، کشور‌ها به همسایه ما رابطه هم افزا با ما پیدا نکنند، قدرت‌های بزرگ‌تری ذی‌نفع رشد و امنیت ما نشوند و ما یکی از سیبل‌های اصلی این تهدیدهای سایبری و نظامی باشیم، با خطر امنیت ملی بزرگی روبه‌رو هستیم. هوش مصنوعی و ابزار‌های هوش مصنوعی در حال تبدیل به یکی از مؤلفه‌های قدرت ملی از جمله دفاعی و نظامی است و به نظر می‌رسد به اندازه کافی موضوع را جدی نگرفته‌ایم. از ترکیب شورای ملی هوش مصنوعی نیز می‌توان حدس زد چه مقدار ماجرا را جدی گرفته‌ایم. شما نمی‌توانید با این ترکیب در برابر این دست تهدید‌ها سپر دفاعی بسازید. تهدید بعدی که در سطح جهانی مهم‌تر است، تشدید انواع نابرابری نه فقط شکاف دیجیتال و شکاف دسترسی به ابزار‌های هوش مصنوعی است. گویا برندگان و بازندگان این تخریب خلاق هوش مصنوعی از هر تخریب خلاق دیگری پس از انقلاب صنعتی و شاید از آن بیشتر، بزرگ‌ترند. در جامعه ما نیز

هشدار کارشناسان درباره بهره‌برداری‌های سیاسی و سیاستی از هوش مصنوعی در یک پند دانشگاهی

چندمیلیون نفر یک‌بار و چندمیلیون نفر می‌توانند مشاغل جدیدی پیدا کنند. این شکاف دیجیتال و شکاف نسلی‌ای که در این موارد در حال ایجاد است، عوارض بسیار مهمی دارد. از دیدگاه من بیش از قبل نیاز داریم که به سمت افزایش درآمد پایه همگانی و تقویت خدمات پایه همگانی از طریق مالیاتی که با ابزار‌های هوش مصنوعی می‌توان گرفت، حرکت کنیم و زمانی که این زمینه حداقلی آماده است، دیگر رقابت در زمین اقتصاد دیجیتالی شده، عوارض کمتری خواهد داشت. خیلی بیش از قبل نیاز داریم که جدی از خدمات پایه همگانی با کیفیت را به همه برسانیم. هوش مصنوعی درآمدهای بزرگی ایجاد خواهد کرد. اگر درست از این ابزار‌ها برای افزایش تولید استفاده شود، گویی جمعیت ایران در سال‌های آینده ۳۰۰ میلیون نفر شده اما احتمال دارد منافع آن مانند اغلب کشور‌های دنیا بیشتر به چند درصد بالا خواهد رسید و برای همین هم‌زمان با افزایش عجیبی که در تولید و ثروت ایجاد می‌شود، ضروری است هر چه زودتر به سمت تمهید حلدی از خدمات پایه همگانی برویم. خوشبختانه هوش مصنوعی نیز این مورد را در جمله در آموزش، سلامت و هدف‌گیری ضعیف‌ترین شهروندان تمهید کرده است و در این موارد ابزار‌هایی را به ما ارائه می‌دهد که ما با بروکراسی فعلی خود نمی‌توانستیم هدف‌گیری کنیم. ما می‌توانیم به سمتی برویم که پنج سال بعد خدمات پایه سلامت، خدمات پایه آموزش و شناسایی ضعیف‌ترین شهروندان را خیلی بهتر از قبل انجام دهیم اما اگر این کار را هم‌زمان با میزان رشد شرکت‌ها و فرادستانی که بنده هوش مصنوعی خواهد شد، انجام ندهیم، سطحی از نابرابری در ایران ممکن خواهد بود که از نظر من نه فقط عوارض اجتماعی و سیاسی خواهد داشت، بلکه به‌نوعی تهدید امنیت است.

دیاکو حسینی، معاون بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی تهران: یک واحد هوش مصنوعی دروزارت خارجه تأسیس کنیم

اگر یک نگاه تاریخی داشته باشیم، از قرن ۱۸ میلادی یعنی از ۱۷۷۰ تا ۱۸۴۰ در انقلاب اول صنعتی و از ۱۸۷۰ تا ۱۹۰۴ در انقلاب دوم و آنچه که معروف شد انقلاب سوم در دهه ۷۰ تا ۹۰۰ میلادی به شکل‌های مختلف روی زندگی فردی و بین‌المللی ما تأثیرگذار بودند. هوش مصنوعی هم به همین ترتیب اثرگذار است. اما سؤال بزرگ به دلیل ابعاد انقلاب چهارم چقدر می‌تواند زندگی بین‌المللی ما را تحت‌تأثیر قرار دهد، از آن سؤال‌هایی است که بسیار بزرگ و چند میلیون دلاری است. من فکر می‌کنم ما باید منتظر باشیم که ماهیت سیاست بین‌الملل تغییر نکند. منظور من از ماهیت سرشت رقابت‌آمیز قدرت‌های بزرگ به عنوان تعیین‌کننده سرنوشت و شکل و شمایل نظام جهانی هر دوره است. چه هوش مصنوعی درکار باشد چه نباشد، کشور‌ها همچنان نگران بقا و امنیت خود هستند اما باید وارد شدن عامل هوش مصنوعی باید شکل این نگرانی تغییر و جنبه‌هایی به آن اضافه شود. بنابراین ماهیت سیاست جهانی همانطور که در انقلاب اول، دوم و سوم تغییر نکرده است، به احتمال بسیار زیاد در انقلاب چهارم نیز تغییر نخواهد کرد مگر آنکه در این انقلاب چهارم ما به حکومت جهانی برسیم. یعنی یک حکومت واحد در سراسر کره زمین حکومت کرده و کنترل منابع رفتار‌ها را در اختیار گیرد. تنها در این شرایط است که وضعیت آتارشی در سیاست بین‌الملل تغییر می‌کند و درست مثل جوامع داخلی به یک وضعیت سلسله‌مراتبی دست می‌یابد. امروز چشم‌اندازی برای اینکه هوش مصنوعی بتواند دنیا را به سمت یک حکومت جهانی سوق دهد، وجود ندارد. اما چه چیزی را عوض می‌کند؟ مشابه سه انقلاب صنعتی گذشته، قواعد زندگی بین‌المللی را متأثر می‌کند و محیط وفرایندهای سیاست‌گذاری در درون کشور‌ها را تغییر خواهد داد. محیط به این دلیل تغییر می‌کند که قدرت‌های بزرگ در سیستم بین‌المللی که امروز متمرکز بر چین و ایالات متحده هستند، بودجه بیشتری را برای تخصیص به تحقیق و توسعه در حوزه هوش مصنوعی دارند. بنابراین آن‌ها استانداردهای هوش مصنوعی در جهان را که می‌تواند عملکردهای اقتصادی و نظامی بین‌الملل را متأثر کند، تعیین خواهند کرد و همین باعث خواهد شد که محیط بین‌المللی یعنی ویژگی‌های عده سیستم بین‌الملل تغییر کند.

دوم، به دلیل این اثرگذاری عمیق و گسترده، چاره‌ای باقی نمی‌ماند جز اینکه کشور‌ها به دنبال وضع مقررات و رژیم‌های بین‌المللی‌ای برونند که می‌تواند دامنه عملکردهای هوش مصنوعی را محدود کند. برای مثال فرض کنید هوش مصنوعی در ترکیب تسلیحات اتمی چقدر می‌تواند در جهان فاجعه‌بار باشد و چطور می‌تواند کنترل این تسلیحات‌کننده و مرگبار را از دست انسان‌ها و دولت‌ها خارج کند. بنابراین ما به یک سلسله قوانین و مقرراتی نیاز داریم که بتواند امکان استفاده از هوش مصنوعی در ارتباط با سلاح‌های کشتار جمعی را محدود کند. چیزی که امروز وجود ندارد. این به یک مقررات و یک رژیم بین‌المللی نیاز دارد. ما امروز در مورد پول‌شویی و حملات سایبری مقرراتی داریم اما در مورد اینکه چگونه گروه‌های تبهکار بتوانند از طریق هوش مصنوعی بر جوامع و زیرساخت‌های انرژی و مالی و اقتصادی کشور‌ها نفوذ کنند و آثار ویرانگر داشته باشند، قوانین و مقرراتی نداریم. بنابراین از این جهت نیاز به وضع رژیم‌های بین‌المللی داریم تا بتواند این قوانین را هم برای دولت‌ها و هم برای بازیگران غیردولتی ایجاد کند.

سوم، فرایندهای تصمیم‌گیری است. هوش مصنوعی به ما اجازه داده که ما فرایندهایی را که برای تصمیم‌گیری نیاز داشتیم را بسیار دقیق‌تر و سریع‌تر و احتمالاً قابل اعتمادتر انجام دهیم. خواندن نیات کشور‌ها از عملکرد آن‌ها بسیار دشوار است. متخصصان امور بین‌الملل تمام سال‌ها در مطالعه کرده‌اند تا بفهمند چگونه می‌توان رفتار کشور‌ها را مطالعه کرد. کدام یک از رفتار‌ها را باید و کدام را نباید جدی گرفت. این حوزه تخصصی طاقت‌فرسا و سخت بود. هوش مصنوعی در مدت‌زمان کوتاهی می‌تواند تمام این فرایند را در چند ثانیه انجام دهد و به سناریو پردازی‌های مختلف در مورد آینده برسد و به تصمیم‌گیران اجازه دهد که براساس بهترین سناریو‌ها عمل کنند. چون سگویی‌های فرهنگی و ایدئولوژی‌ها در آن سناریو‌ها وجود ندارد، به احتمال زیاد ضرب‌خطی پایین‌تری نیز دارند.

گردآوری داده‌ها زمانی به دلیل اینکه داده‌های کمتری وجود داشت، راحت‌تر بود. در دنیایی که انفجار داده رخ داده است، به طور طبیعی برای انسان دشوار است که بتواند داده‌های مربوط به روابط خارجی در مورد سایر ملت‌ها را در فاکتور‌هایی نظیر نظامی و اقتصادی یک‌جا جمع کند و به‌سرعت تصمیم گیرد. هوش مصنوعی در گردآوری و پردازش داده می‌تواند به ما کمک کند و آن را طبقه‌بندی و اولویت‌بندی کرده و اجازه دهد تا وقت خود را صرف تصمیم‌گیری نهایی کنیم. این‌ها همه فرایندهای سیاست‌گذاری است. چون روشن است که چگونه هوش مصنوعی می‌تواند به ما کمک کند که افکار عمومی ملت‌ها را به طور آتی و در مدت‌زمان کوتاه ارزیابی و شناسایی کنیم و براساس گرایش‌هایی که در افکار آن ملت‌ها وجود دارد، تصمیم بگیریم. مزایای آن این است که زمان را کاهش و وقت را افزایش می‌دهد، وابستگی به نیروی انسانی را نیز کمتر می‌کند

که این مورد می‌تواند مخاطراتی را در پی داشته باشد. وابستگی ما به ماشین‌ها یا هوش مصنوعی را می‌تواند افزایش دهد و نگرانی اخلاقی‌ای را نیز ایجاد می‌کند به‌ دلیل اینکه هوش مصنوعی فارغ از موازین اخلاقی آنچه که می‌خواهیم را به ما تحویل می‌دهد. هوش مصنوعی در حوزه نظامی سلاح‌های خودکار و رباتیک هم می‌تواند با کمک هوش مصنوعی بسیار کارآمدتر باشند و تلفات انسانی را کاهش دهند اما در عین اینکه این خدمات را می‌توانند ارائه دهند و زحمات انسان را کم کنند، مخاطراتی نیز دارند و این نوع سلاح‌ها می‌توانند در بحث اخلاقی مشکلاتی ایجاد کنند و به دلیل اشتباهات احتمالی خطاهایی را ایجاد کرده که برای انسان ایجاد هزینه کند. در مدیریت منابع و نظامی هم می‌تواند کمک کند. هوش مصنوعی می‌تواند به قدرت‌های بزرگ کمک کند اما اگر قدرت‌های متوسط یا کوچک به خوبی به هوش مصنوعی مجهز باشند یسا در امور نظامی آن‌ها را بار گیرند، حتمی می‌تواند عدم توازن نظامی بین قدرت‌های بزرگ، متوسط و یا کوچ را به‌هم بزند و قدرت‌های کوچک‌تر حرفی برای گفتن نداشته باشند. گروه‌های تروریستی یا تبهکار که به خوبی با هوش مصنوعی مجهز هستند و کارشناسان خبره‌ای را به کار گرفته‌اند نیز می‌توانند به دولت‌ها در این رابطه غلبه کنند و در جنگ‌های نظامی حتی به قدرت‌های بزرگ‌تر از خود غالب شوند.

بخش مهمی از کار در حوزه تبلیغات سیاسی، در دوران شبکه‌های اجتماعی و اینترنت و گسترده‌گی استفاده از اینترنت موبایل در جهان بود. در اینجا نیز هوش مصنوعی می‌تواند با شناسایی الگوریتم‌های رفتاری و علایق و گرایش‌های مردم در شبکه‌های اجتماعی به رهبران بگوید که باید در کجا چه تصمیم‌هایی را اتخاذ کنند. البته این موضوع تنها برای دولت‌ها نیست و برای گروه‌های مختلف از جمله تروریستی می‌تواند اتفاق بیفتد و منجر به یک رقابتی برای آن‌ها در جهان شود. هوش مصنوعی در حوزه فعالیت‌نیز بسیار اثرگذار خواهد بود. استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند باعث تدبیر در تخصیص منابع در حوزه‌های اقتصادی شود، هزینه‌های عملیاتی را کاهش دهد و بهبود در آماد و زنجیره‌های تأمین ایجاد کند. بنابراین می‌تواند به قدرت‌هایی که به‌لا به دلیل فقدان این مزیت‌ها رتبه پایین‌تری در سلسله مراتب جهانی داشتند کمک کند تا رفتار پیدا کنند و به کشورهای کوچک‌تر این امکان را بدهد که در رقابت‌های نابرابر دست بالا را پیدا کنند اما این موارد به شرطی است که آموزش‌ها بهتر ببینند، کارایی بالاتر و کاربرد هوش مصنوعی در عملکرد خود داشته باشند. هوش مصنوعی در حوزه رقابت‌های نظامی می‌تواند منجر به یک مسابقه تسلیحاتی به خصوص میان دولت‌های بزرگ که توانایی بالاتری برای تخصیص منابع دارند، شود. در گذشته نیز چنین جنگ سردی میان چین و آمریکا رخ داده است. امروز نیز کارشناسان و محققان هوش مصنوعی در این دوره دارایی ارزشمندی همچون مانند مهندسان نفت در اوایل قرن بیستم هستند و برای دولت‌های بزرگ ارزشمند تلقی می‌شوند. درنهایت درباره تمام آنچه که در حوزه نظامی از آن صحبت می‌کنیم، می‌تواند منجر به تغییر در موازنه قدرت در سطح جهانی شود. امروز ما می‌توانیم اشراف‌هایی از این موضوع را در این رقابت‌ها بین خود مشاهده کنیم و حوزه هوش مصنوعی ببینیم. فکر می‌کنم هوش مصنوعی دربراه دیپلماسی و بخش مربوط به فرایندهای سیاست‌گذاری می‌تواند بسیار مفید باشد. بین توسعه هوش مصنوعی و کاربست هوش مصنوعی باید تفاوت قائل شویم. کشور‌های کمتری حاضرند که مبالغ هنگفتی را به تحقیق و توسعه هوش مصنوعی تخصیص دهند و از این طریق سهمی در این بازار و رقابت‌های جهان داشته باشند اما کشور‌های بیشتری خواهند توانست به آنچه که کشف شده و تا به امروز به دست آمده اکتفا کنند و آن را به کار گیرند. کاربرد هوش مصنوعی فکرمز بدون تحقیق و توسعه هنر و مهارتی است که ما باید داشته باشیم. مگر می‌کنم ما نیاز داریم به مرحله اول برای اینکه این فرایندها که می‌توانیم در مورد آن سناریو پردازی کنیم، وزارت خارجه و تمام نهاد‌هایی که در وزارت خارجی هستند را مداخله دهیم. یعنی یک واحد هوش مصنوعی در وزارت خارجه ایران تأسیس و در نهایت در میان‌مدت به سمت آموزش عمومی همه پرسنل وزارت خارجه ایران برویم تا با تکنیک‌های استفاده از هوش مصنوعی آشنا شوند و در مأموریتی که در تقسیم‌بندی واحدی دارند، به کار گیرند و بتوانند فرایندها را کوتاه‌تر، سریع‌تر و دقیق‌تر کنند. این موضوع می‌تواند همکاری‌های بین‌المللی را در نتیجه تمام این بهبود فرایند تقویت کند و دیپلماسی معمول ما را نیز تقویت کند.

مجتبی قلی‌پور، عضو هیئت علمی پژوهشکده ارتباطات راهبردی: برای تصمیم‌سازی سیاسی

از ترکیب هوش مصنوعی و انسانی استفاده کنیم

اشتباهی که در مورد انقلاب ICT مرتکب شدیم را در مورد هوش مصنوعی مرتکب نشویم. از دیدگاه من آن اتفاق به دلیل تقسیم کار بدنام‌رستی بوده‌که شکل گرفت. در انقلاب ICT در ایران خودم شرکت کردم که به مواجهه فلسفی انتقادی با ICT کرد و جامعه‌وا مواجهه راهبردی - توسعه‌ای با آن داشت. امروز در کار‌های علمی که به زبان فارسی انجام می‌شود، چیزی جز کشفی‌نگی فائزانه مشاهده نکردم. یعنی احساس کردم که این بار حتی در جانب حکومت هم با مواجه‌ای کاملاً غیرانتقادی به سمت هوش مصنوعی می‌رویم.

من می‌خواهم با تمرکز بر ارتباطات سیاسیست صحبت کنم. منظور من از ارتباطات سیاسیست، نیمه بالای فرایند در چرخه سیاست‌گذاری است. آنجا که برای چرخه سیاست‌گذاری دستور کار انجام می‌شود، طراحی سیاست و سپس تصمیم‌سازی، اجرا و در پایان نیز ارزیابی سیاست صورت می‌گیرد. چرا این موضوع مهم است؟ باید ببینیم که هوش مصنوعی چه کاری می‌تواند با این چرخه کند و چرا باید با آن مواجهه انتقادی داشته باشیم؟ در زیست‌بوم اندیشکده‌ای ما در یکی دو دهه اخیر اتفاق عجیبی رخ داده و آن این است که شاهد رشد عجیب اندیشکده‌ها و نهاد‌های سیاسی در ایران بودیم که هدف این‌ها درنهایت تأثیرگذاری سیاستی است. یعنی تأثیرگذاری در جایی از چرخه سیاستی و درنهایت در زندگی ما. در دوره‌های بعد در ایران حدود ۲۵۰ اندیشکده جدید متولد شده است. چرا این مورد مهم است؟ چون ما بیشتر در مورد این صحبت می‌کنیم که هوش مصنوعی چه می‌تواند به ما عرضه کند و تهدیدات و فرصت‌های آن چیست در صورتی که در چندروز گذشته بسیاری از مرز‌ها در حوزه هوش مصنوعی جابه‌جا شده‌است. ویدئو درست‌شد و از ترجمه هم‌زمان رونمایی‌شد. بنابراین خیلی نمی‌توانیم در مورد آن فناوری صحبت کنیم. در مقابل چیزی که به نظر می‌رسد در چهار دهه گذشته ثابت بوده است، شرایط نهادی، اجتماعی و فرهنگی است که در این جامعه وجود دارد و این رشد زیست‌بوم، نمادی از این شرایط است. از دیدگاه من این رشد یک رشد مرض‌گونه است، ما شاهد تانارآمدی اندیشکده‌های خود هستیم. یعنی شاهد این هستیم که در رتینگی‌های جهانی جزء ۱۰۰ اندیشکده اول نیستیم و در ۱۰۰ اندیشکده اول خاورمیانه نیز تنها دو اندیشکده از ایران حضور دارند. تأثیر این رشد را در زندگی خود نمی‌بینیم و شرایط حکمرانی در ایران روز به روز بدتر می‌شود.

در چنین شرایطی هوش مصنوعی وارد این اندیشکده‌ها شده است. یعنی وارد جایی از این چرخه سیاستی که جای مهمی از آن نیز هست و ما نمی‌دانیم چه افرادی در این اندیشکده‌ها وارد شده‌اند. زمانی که در یک دهه حدود ۲۰۰ اندیشکده جدید ظاهر می‌شوند که نمی‌دانیم ضرورت و کاربرد آن‌ها چیست و از همه مهم‌تر نمی‌دانیم که چه افرادی در آن‌ها کار سیاسی انجام می‌دهند، یعنی بر چرخه سیاست‌گذاری فشار می‌آورند و میز سیاست‌گذار را شلوع می‌کنند. هوش مصنوعی نیز به کمک آن‌ها می‌آید تا همان توانایی‌های دانشی اندک خود، بتوانند ادعاهای بزرگی انجام دهند. این بسیار تصویر خطرناکی است. چرخه سیاست‌گذاری همین حالا که هوش مصنوعی را نداریم، خیلی آسیب می‌بیند و این افراد به صورت دمستی تلاش می‌کنند که متن تولید کنند، متن‌هایی که اغلب غیراستاندارد هستند و حدود ۹۰ درصد تیروی انسانی آن اندیشکده نمی‌داند متن سیاسی چیست. این اندیشکده‌ها به کمک هوش

صنوعی می‌تواند کار‌های بزرگ خطرناکی را انجام دهد. شیفته‌گی تکنولوژی را باید در بستری بفهمید که ممکن است تکنولوژی به روش غلطی مورد استفاده قرار گیرد و در مورد کار‌های سیاسیست این خطر بسیار می‌تواند بزرگ‌تر از کار‌های علمی باشد چراکه گزارش‌هایی که برخی از اندیشکده‌ها تولید کرده‌اند را دیده‌ام و اعتراف کرده‌اند که آن را با هوش مصنوعی نوشته‌اند. البته در بسیاری از گزارش‌ها اعترافی صورت نمی‌گیرد. این نشان می‌دهد که نگرانی در مورد هوش مصنوعی در دنیا بین سال ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۴ از ۴۹ درصد به ۶۲ درصد رسیده است، پذیرش هوش مصنوعی از ۶۳ درصد به ۵۶ درصد و اراده برای اتکا به هوش مصنوعی از ۵۲ به ۴۳ درصد کاهش پیدا کرده است. یعنی ما هر چه که جلوتر می‌رویم، می‌بینیم مواجهه انتقادی در دنیا بیشتر می‌شود. اگر به سایت تد سر بزنید، ده‌ها ویدئو پیدا خواهید کرد که اغلب در مورد این مواجهه انتقادی صحبت کرده‌اند اما زمانی که در پی‌اگاه‌های داده داخلی سرچ می‌کنید، اغلب به دنبال چیزی هستند که به‌بستر به آن رویکرد تأثیرگذاری می‌گویند مانند تأثیر هوش مصنوعی بر جنگ، سیاست‌گذاری و ارتباطات سیاسیست. زمانی که این مطالب را مطالعه می‌کنید، خواهید دید که اغلب آن‌ها در سندروم نقش افتاده‌اند و طبیعی است که در این سندروم ادبیات مثبت تولید می‌کنید.

بالا‌ترین اعتماد به هوش مصنوعی و پذیرش آن در کشور‌هایی است که از لحاظ اقتصادی، اقتصاد‌های در حال ظهور، در حال توسعه و با عقب‌مانده محسوب می‌شوند در حالی‌که کشور‌هایی مانند فنلاند، ژاپن، آلمان، فرانسه، ایتالیا و آمریکا در کف اعتماد به هوش مصنوعی هستند. منظور من این است که کمی حواس خود را جمع کنیم. شاید داریم کمی بیش از حد به هوش مصنوعی بها می‌دهیم و به درون این خفرو و سیاهچاله کشیده می‌شویم. کمی عقب بایستیم. ما باید تقسیم کار خود را دوباره تعریف کنیم و در سطح حکومت همیشه باید مواجهه راهبردی و توسعه‌ای با هر فناوری‌ای وجود داشته باشد اما در سطح جامعه نباید مواجهه شیفته‌گونه با یک فناوری داشته باشیم و یک فناوری را راحل تمام مشکلات خود بدانیم و احساس کنیم فناوری مشکل ما را حل می‌کند. فناوری هیچ مشکلی را در حل نخواهد کرد بلکه بر مشکلات ما نیز اضافه خواهد کرد. چون فناوری در این بستر نهادی - فرهنگی خود را بازتولید می‌کند. در عین حال می‌توانیم امید‌هایی داشته باشیم. قطعاً تا به حال نیز هوش مصنوعی به ویژه در شکل ابزار داده‌کاری به ما کمک کرده است که بیشتر جامعه‌ا بشناسیم.

در شرایطی که خلاقیت و نوآوری سیاسی به دلیل شرایط نهادی در ایران بسیار ضعیف است، این یک فرصت است که نوآوری خود را بیشتر کنیم و یادر هر حله ارزیابی سیاست‌سرت خود را بیشتر کنیم. اما در مقابل این ایده‌ها که در شرایطی که در آن هستیم انگشت‌شمار هستند، بیم‌ه‌اریا هستند. ما این شرایطی که در چرخه سیاست‌گذاری می‌بینم، هوش مصنوعی بسیار آسیب خواهد زد و آشباح و اضافه‌بار اطلاعاتی را روی میز سیاست‌گذار افزایش می‌دهد؛ چراکه ۲۵۰ اندیشکده در کمین هستند که برای سیاست‌گذار نمایش دستاورد بدهند و بنا به دلایلی قدرت، ثروت و شهرت در پشت این قضیه حضور دارند. ما نمی‌دانیم نیروی انسانی دانشی‌ای که در این اندیشکده‌ها داریم چه کسانی هستند، یعنی هیچ مکانیسمی برای آن‌ها تعریف نشده‌است. در جامعه قطبی‌شده، معنی ندارد که با ماشین لرئینگ کار سیاسی انجام دهید؛ چراکه عملی است چه داده‌هایی به آن ماشین می‌دهید و می‌توانید داده، هدف و وضعیت فعلی را طوری تعریف کنید که نتیجه دلخواه خود را بگیرید. این چیز پیچیده‌ای نیست. تا به حال نیز حکمت سیاسی در چرخه سیاست‌گذاری ایران بسیار مهجور است و از دیدگاه‌من دوباره در چنگال تکنیک‌با هوش مصنوعی گرفتار خواهیم شد. حتی تخصص و حکمت به حاشیه خواهد رفت و حکمت و مهارت‌بازنه‌این ماجرا خواهند بود و تکنیک جای آن‌ها را خواهد گرفت. در حکومت ما یک شیفته‌گی نسبت به تکنیک وجود دارد یعنی یکی بی‌اعتمادی به علوم انسانی و اجتماعی که عرصه‌را برای تکنسین‌ها باز کرده است و هوش مصنوعی دست این تکنسین‌ها را باز خواهد کرد که هر زینه آن را باید جامعه پرداخت کند. ما در حال حاضر نیز گرفتار غلبه اقدام و سیاست بر تفکر راهبردی کلان‌اندیش هستیم. خیلی از مسائل را سیاسی و کنشی نباید حل کرد اما هوش مصنوعی دقیقاً راحل را در این سطح تعریف می‌کند. بخش بزرگی از مسائل ما، مسائل بدخیم است و نمی‌تواند راحل‌های تکنیکی داشته باشد. جامعه ما جامعه قطبی‌شده است و سیاست‌گذاری در این جامعه بسیار پیچیده است. به شما قول می‌دهم تا ۲۰ سال دیگر نیز نمی‌توانید در مورد مسئله حجاب از هوش مصنوعی راحل بگیرید. یعنی صرف نظر از اینکه چقدر می‌تواند پیشرفت کند، نمی‌توانید چون شاید رنگ‌ها به آن معنا برآی و وجود نداشته باشد.

من به دنبال این نیستم که یک نگاه بدبینانه را به ترویج دهم و به دنبال نشان دادن نگاه انتقادی هستم. ما باید از تجربه خود به یاد آید درس گرفته و در سطح حکومت یک مواجهه راهبردی با هوش مصنوعی داشته باشیم. ما باید به سمت توسعه و سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی -در صورتی که مشکلات اقتصادی حل شود و امکان آن وجود داشته باشد- برویم و در جامعه به سمت مواجهه فلسفی - انتقادی بایسیم. در مورد اینترنت این کار را انجام ندادیم. البته این‌ها دو روی یک سکه است. زمانی که حکومت مواجهه انتقادی با اینترنت داشت، ما مجبور بودیم نقششی را ایفا کنیم که کشور خجسته نماند و این توسعه اطلاعاتی هم که در ایران است، با فشار جامعه ایجاد شده است.

ناباید از انقلاب صنعتی سوم نیز غافل شویم؛ چراکه بستر انقلاب صنعتی چهارم است. در کشوری که وضعیت فیلتر ینگ این‌گونه است و رتبه صدو هجدهم توسعه دولت الکترونیک در دنیا هستیم، نمی‌توانیم در هوش مصنوعی جزء ده کشور برتر باشیم که در اسناد این موارد را نوشتم. زمانی که اینترنت در لحاظ کیفیت چنین وضعیتی دارد و در تمام شاخص‌ها در ۱۰۰ مورد اول دنیا نیستیم، طبیعی است که در هوش مصنوعی دچار امتناع توسعه هستیم. باید بهتر‌ها را درست کنیم و به سمت هوش مصنوعی‌ای برویم که توضیح‌پذیر باشد تا فرایند تصمیم‌سازی نیز شفاف شود. در شرایط فعلی این موارد دور از دسترس به نظر می‌رسد. درنهایت اگر تمام شرایط مهیا‌شد و خوشبختانه از هوش مصنوعی به صورت جدی در سیاست‌های کلان کشور استفاده کنیم، باید به سمت مدل‌هایی برویم که ترکیب بین هوش انسانی و هوش مصنوعی است و سعی کنیم از تطبیق و مقایسه دستاوردهای این دو هوش تصمیم‌سازی سیاسی کنیم.